

## فساد قاضی و راهکارهای پیش‌گیری از آن در حقوق افغانستان

محمد تقی محمدی\*

### چکیده

قاضی نقش عمده‌ی در تأمین امنیت و عدالت دارد، این نقش، در صورتی عینیت پیدا می‌کند که قاضی به فساد آلوده نباشد؛ زیرا امکان آلودگی قاضی به فساد از قبیل تخلفات و وظیفه‌ی، رشوه، شکنجه، امتناع از صدور حکم، حکم خلاف قانون، توقیف غیرقانونی، افشای اسرار و اسناد محرمانه، مساعدت در فرار متهم، خشونت، کتمان عضویت در احزاب سیاسی، سوء استفاده از مقام و موقعیت، اجرای سندهای رسمی جعلی، زیاد است. برای اینکه قاضی نقش اصلی و واقعی‌اش را به درستی انجام داده و مرتکب این‌گونه فساد نشود، حقوق افغانستان راهکارهای را ارائه داده است؛ بخشی از این راهکارها مربوط به پیش‌گیری می‌شود. استقلال داشتن قاضی، وضع شرایط به‌کارگیری قاضی، سخت‌گیری در برکناری قاضی، تأمین نیازهای اقتصادی و نظارت بر امور قاضی، از جمله راهکارهای می‌باشند که قانونگذار افغانستان جهت پیشگیری از فساد قاضی، وضع نموده است؛ عدم اهتمام به توانایی علمی قاضی و غفلت از شرط عدالت و اسلامیت برای قاضی، از کاستی‌هایی حقوق افغانستان هست.

**کلیدواژه‌ها:** فساد قاضی، راهکارها، پیش‌گیری، تأمین امنیت، حقوق افغانستان.

## مقدمه

قاضی نقش عمده در تحقق امنیت و دادرسی عادلانه دارد، او محل التجاء و پناهگاه مردم محسوب می‌شود، طوری که این امر قضا او را در مراحل اولیه راهبردهای ضد فساد قرار می‌دهد، این کارکرد در صورت تحقق پیدا می‌کند که خود قاضی، سالم، مجرب، آگاه و توانا، مسلط بر هوای نفس و آلوده نباشد زیرا احتمال آلودگی قاضی به پدیده‌ای فساد یک امر انکارناپذیر و امکان انحراف او از جایگاه اصلی زیاد است؛ لذا تحقق این امر، راهکارهای مؤثری را جهت پیش‌گیری و مقابله با فساد قاضی می‌طلبد که قانون‌گذار هرکشور باید در سیستم حقوقی‌اش، به آن راهکارها توجه داشته باشد. لذا جای آن دارد که این راهکارها از نظر حقوق افغانستان مورد بحث و بررسی قرار گیرد، باشد که این راهکارها از فساد قاضی جلوگیری نماید. نوشتار حاضر در جستجوی پاسخ به این سؤال است که دیدگاه حقوق افغانستان در رابطه با پیش‌گیری از فساد قاضی چیست؟ مصادیق فساد قاضی در دیدگاه قانون جزای افغانستان چه می‌باشند؟ چه راهکارهای را جهت پیش‌گیری از فساد قاضی پیش‌بینی نموده است؟ فرضیه این پژوهش این است که حقوق افغانستان، مصادیقی را به‌عنوان فساد قاضی ذکر کرده است و راهکارهای را جهت پیش‌گیری از آن‌ها نیز مقرر نموده است، هرچند که نقایصی در این زمینه از جمله در شرایط قاضی وجود دارد.

## الف: مفاهیم

### ۱) مفهوم فساد

فساد در لغت، وصف عمل حقوقی که به جهت عدم رعایت قانون فاقد هرگونه اثر باشد وصف هر عمل خلاف شرع (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ج ۴/ ۲۸۰۴) به معنای تباه شدن، متلاشی شدن، از بین رفتن، تباهی، خرابی، نابودی نیز ذکر شده است. (معین، ۱۳۸۳: ج ۲/ ۲۵۴۵) همچنین به معنای تباهی و ضد صلاح (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳/ ۳۳۶) و به ستم گرفتن مال کسی را، گزند و زیان، ظلم و ستم، نیز فساد گفته شده است. (دهخدا، ۱۳۴۹: ج ۳۷/ ۲۴۷) با توجه به معنای لغوی فساد، می‌توان هرگونه اخلال در احکام الهی و نقض قوانین و مقررات اسلامی، ظلم و ستم، کفر و تجاوز به حقوق دیگران را که همگی ضد صلاح‌اند، از مصادیق فساد برشمرد. در اصطلاح، به معنای استفاده غیرقانونی از قدرت دولت برای نفع شخصی است (سلیمی، ۱۳۸۲: ۸۴) یا عبارت است از عمل یا تصمیمی که موجب شود تا خارج از ضوابط قانونی، تعداد افراد متأثر از نتایج منفی عمل یا تصمیم، از تعداد افراد برخوردار از نتایج مثبت آن بیشتر باشد (جعفری لنگرودی، پیشین: ۲۸۰۲).

در ماده ۳ قانون مبارزه علیه فساد، (سوءاستفاده) علیه افراد، از مصادیق فساد برشمرده شده است؛ در ماده ۴۰۳ قانون جزای ۱۳۹۶ به عمل خلاف قانون و غیر مشروع تعریف شده است، عبارت ماده مذکور این است: هرگاه موظف خدمات عامه به‌منظور کسب منفعت نامشروع برای خود یا شخص دیگری برخلاف قانون، عملی را اجرا یا از آن امتناع نماید، مرتکب جرم سوء استفاده از وظیفه گردیده‌با توجه به تعریف‌های لغوی، اصطلاحی و تعریفی که در حقوق افغانستان در ماده ۳ قانون مبارزه علیه ارتشاء و فساد

اداری، از فساد ارائه گردید می‌توان فساد قضات را چنین تعریف نمود: فساد قضات عبارت است از سوءاستفاده از مقام و موقعیت، تجاوز از صلاحیت‌های قانونی، عملی خلاف قانون و یا خلاف رفتار اخلاقی قضات، برخوردها و روابطی که در محیط اداری قضایی برخلاف قوانین حاکم بر جریان امور اداره و اهداف و منافع جامعه به وقوع می‌پیوندد و موجب تباهی منافع عمومی و بهبودگی اداره می‌شود.

## (۲) مفهوم قاضی

قاضی در لغت به معنای داور، حکم کننده، حکم، فقیهی که مرافعات را موافق قوانین کلی شرع فیصله می‌کند. در اصطلاح فقه کسی است که در میان مردم حکومت کند و در مورد اختلاف و نزاع، فصل خصومت نماید (دهخدا، ۱۳۳۹: ج ۳۸، ۶۷). قاضی اسم فاعل قضا و به معنای فصل خصومت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۴، ۲۸۳۲).

## (۳) مفهوم قضا

قضا در لغت به معنای زیاد وارد شده است که از جمله آن‌ها به معنای فصل امر (جدا نمودن حق و باطل) اعم از گفتاری و رفتاری هست (اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۸۱). قضا در اصطلاح عبارت است از حکم نمودن بین مردم. (عاملی، ۱۳۸۱: ج ۱/ ۳۴۵) فصل خصومت بین متخاصمین و حکم به ثبوت دعوای مدعی یا نفی حقیقش برای مدعی علیه (خویی، ۱۴۳۰: ج ۱، ۵) ولایت شرعی است از طرف امام(ع) بر حکم و مصالح عمومی مردم (عاملی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۶۵).

## (۴) مفهوم پیش‌گیری

به‌طور عموم معمولاً در برخورد با پدیده مجرمانه، دو شیوه معمول در برابر سیاست‌گذاران جنایی قرارداد؛ شیوه اول اعمال مجازات و عدالت کیفری سنتی است که با تهدید، ترساندن و اقدام‌های کیفری به پاسخگویی در برابر پدیده مجرمانه اقدام می‌کند؛ این روش به دلیل ناتوانی و ناکارآمدی در تأمین اهداف سیاست‌های جنایی که کاهش جرائم و جلوگیری از ارتکاب بزه را به دنبال دارد سبب شد که تا اندیشمندان علوم جنایی و جرم‌شناسی به این فکر باشند که برای مقابله با جرائم و جلوگیری از آن‌ها باید راهکارهای دیگری را به‌کارگیرند که یکی از این راهکارها پیش‌گیری است که ناظر به مرحله قبل از وقوع جرم است و درصدد آن است تا با اعمال برنامه‌های مناسب نسبت به عوامل محیطی، فیزیکی، فرهنگی و اقتصادی، عوامل به وجود آورنده جرم را کنترل، کاهش و خنثی کند.

پیش‌گیری در لغت، یعنی جلو چیزی را گرفتن، عمل پیش‌گیر، دفع، تقدم به حفظ وصیانت، مانع گشتن، منع کردن، آمده است (معین، ۱۳۸۵: ۲۴۹). در اصطلاح پیش‌گیری را به‌صورت‌هایی مختلفی تعریف نموده‌اند که مبتنی بر بینش صاحب نظران و اندیشمندان است؛ پیش‌گیری عبارت است از مجموعه اقدام‌های سیاست‌های جنایی به استثنای اقدام‌های کیفری که غایت و هدف انحصاری یا لاقلاً جزئی از آن اقدامات، محدود کردن امکان وقوع مجموعه از جرائم باشد. (نجفی، ۱۳۷۹: جزوه درسی جرم‌شناسی / ۷۵۳). این تعریف از

پیش‌گیری جرم در مفهوم مضیق که فقط شامل اقدامات غیر کیفری می‌شود، شده است؛ تعریف دیگری از پیش‌گیری که در مفهوم مضیق، شده است مربوط می‌شود به ریموند گسن، ایشان این‌گونه تعریف می‌کند: «پیش‌گیری، هر تدبیر سیاست جنایی است که هدف نهایی آن، تحدید حدود امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه غیر ممکن ساختن، دشوار کردن یا کاهش دادن احتمال وقوع آن‌هاست بدون این‌که از تهدید کیفر یا اجرای آن استفاده شود» (ریموندگسن، ۱۳۷۰: ۱۳۳). در مقابل تعاریف مضیق از پیش‌گیری، تعاریف ناظر بر مفهوم موسع پیش‌گیری وجود دارد که عبارت‌اند از: «راهمبردها و تدابیری که درصدد کاهش خطر وقوع جرائم و کاهش تأثیرات مضر بالقوه آن‌ها بر اشخاص و جامعه از طریق تحت تأثیر قرار دادن عوامل متعدد مؤثر در آن‌ها؛ در تعریف دیگر به‌عنوان پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اقدام برای از بین بردن یا کاهش آن، بیان شده است» (محمد نسل، ۱۳۹۳: ۲۷). با توجه به تعاریف لغوی و علمی پیش‌گیری، می‌توان پیش‌گیری از فساد قضات را این‌گونه تعریف نمود: پیش‌گیری از فساد قضات عبارت است از تدابیر و سیاست‌های که برای از بین بردن و یا کاهش آن، به کار برده می‌شود.

## ۵) مفهوم پیش‌گیری اجتماعی و وضعی

نخستین بار، بکاریا در سال ۱۷۶۴ اندیشه پیش‌گیری خاص از جرم را که مستقل از حقوق جزاست، مطرح کرد؛ با تولد جرم‌شناسی علمی، فری در سال ۱۸۸۱، جایگزینی‌هایی را برای کیفر که برنامه گسترده‌ی سیاست اجتماعی در مبارزه علیه جرم را تشکیل می‌داد، توصیف کرد (نجفی و بیگی، ۱۳۷۷: ۹۰). بدین ترتیب تفکر استفاده از اقداماتی غیر از کیفر جهت پیش‌گیری از وقوع جرم به زمان تولد جرم‌شناسی علمی بازمی‌گردد. این نوع پیش‌گیری، به پیش‌گیری اجتماعی و وضعی تقسیم می‌گردد، منظور از پیش‌گیری اجتماعی، اعمال و اقداماتی است که بر خود فرد تأثیر می‌گذارد و بدین ترتیب خلأهای فردی را پرمی‌کند که این اقدامات عبارت است از مداخله در محیط اجتماعی عمومی و شخصی فرد، محیط اجتماعی مانند محیط‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که نسبت به همه مشترک است و محیط اجتماعی شخصی که خاص خود فرد است همانند محله، خانواده. این نوع پیش‌گیری به شخصیت انسان به‌عنوان یکی از عوامل اصلی وقوع جرم توجه داشته و سعی دارد با اجرای برنامه‌های فرهنگی و تربیتی و دخالت و پاک‌سازی محیط اجتماعی و شخصی، از اولین روزهای حیات انسان، او را به گونه تربیت کند که مجهز به یک نیروی خودکنترلی و پلیس درونی گشته که او را از ارتکاب اعمال قبیح بازمی‌دارند؛ در واقع هدف در این نوع پیش‌گیری «انسان‌سازی» است. (فصلنامه انتظامی اجتماعی، ۱۳۹۲: ش ۲ / ۱۶۸). از آن‌جای که برنامه‌های پیش‌گیری اجتماعی قطعاً بازده صد درصد نخواهد داشت و کماکان با افرادی مواجه هستیم که علی‌رغم اجرای همه برنامه‌های فرهنگی و تربیتی، تمایلات مجرمانه دارند و دیگر این‌که برنامه‌های پیش‌گیری اجتماعی در بلندمدت آثار خود را نمایان می‌سازند، لذا با اجرای برنامه پیش‌گیری وضعیت مدار درصدد تأثیر بر عامل دوم عمل جنایی یعنی «وضعیت» هستیم تا با تغییر وضعیت‌ها و موقعیت‌های جرم‌زا از عملی ساختن

اندیشه مجرمانه توسط مجرم جلوگیری نماییم؛ در پیشگیری وضعی که مبنای نظری آن در جرم‌شناسی، وضعیت ماقبل بزهکاری است، ما با فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه مواجه و درصدد تغییر وضعیت مشرف بر جرم هستیم تا معادله جرم به ضرر مجرم شود (همان: ۱۶۹). به عبارت دیگر، پیش‌گیری وضعی به مجموعه اقدامات کاهش‌دهنده فرصت ارتکاب انواع خاص جرم اطلاق می‌گردد. فرایند کاهش فرصت، از طریق مدیریت، طراحی یا دگرگون‌سازی محیط به اصولی‌ترین شیوه ممکن تحقق می‌یابد (محسنی، ۱۳۹۴: ۵۹) از دیدگاه کلی می‌توان عوامل جرم را به دو دسته درونی (فردی) و بیرونی (محیطی و مکانی) طبقه‌بندی کرد. پیش‌گیری وضعی رویکردی است که بدون توجه به شخصیت مجرم، تلاش برای اصلاح آن و یا حذف تمایلات مجرمانه، صرفاً در صدد حذف عوامل بیرونی بزه‌کاری و کاهش فرصت‌های مستعد ارتکاب جرم است؛ برخلاف پیش‌گیری اجتماعی که بر مبنای علت‌شناسی بزه‌کاری است. مشارکت نمودن مردم در مقابله با جرم، نیز نوعی از پیش‌گیری وضعی محسوب می‌شود، حتی می‌توان پیش‌گیری وضعی را همان مشارکت مردم در امر مقابله با جرم دانست (نجفی، ۱۳۸۸: ۵۸۱). یکی از نهادهای که امکان آلودگی آن‌ها به فساد می‌رود، قضات هست؛ لذا با استفاده از همین سیاست پیش‌گیری وضعی، یعنی با استفاده از دوربین‌های مداربسته، گماشتن مأموران مخفی و آشکارا، نظارت و هم‌چنین سیاست پیش‌گیری اجتماعی از فساد آن‌ها جلوگیری نمود.

هم‌چنین در حقوق افغانستان، برنامه‌های پیش‌گیری اجتماعی و وضعی از فساد قضات پیش‌بینی شده است که از جمله آن برنامه‌ها می‌توان از ماده ۵۸ و ۳۰ قانون تشکیلات و محاکم قوه قضائیه افغانستان نام برد؛ ماده ۵۸ دال بر پیش‌گیری اجتماعی و ماده ۳۰ دال بر پیش‌گیری وضعی از فساد قضات هست تفصیل این در مبحث راهکارها، موردبررسی قرار خواهد گرفت. قانون تشکیلات و محاکم قوه قضائیه افغانستان، در ماده ۵۸ مقرر می‌دارد: شخص واجد شرایط ذیل به پیشنهاد رئیس ستره محکمه و منظوری رئیس‌جمهور به حیث قاضی منسلک و تعیین می‌گردد: ۱- حین انس لاک حداقل ده سال تابعیت جمهوری اسلامی افغانستان را دارا باشد؛ ۲- به موجب حکم قطعی محکمه ذیصلاح به جرم جنایت یا جنحه عمدی محکوم نشده باشد؛ ۳- سند تحصیلی لیسانس از پوهنچی‌های (دانشکده‌های) حقوق یا شرعیات و یا بالاتر از آن و یا سند تحصیلی مدارس دینی رسمی دولت یا معادل آن را دارا باشد؛ ۴- مصاب به امراض ساری یا معیوبیت‌های که مانع اجرای وظیفه گردد نباشد؛ ۵- حین انس لاک در کادر قضا سن بیست و پنج‌سالگی را تکمیل کرده باشد؛ ۶- دوره ستازقضایی را موفقانه سپری کرده باشد. در ماده ۳۰ همان قانون مقرر شده است: رئیس ستره محکمه ممثل قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان بوده، دارای صلاحیت‌های ذیل هست: ۱- رهبری عمومی فعالیت‌های قضایی واداری ستره محکمه. ۲- ریاست از جلسات ستره محکمه. ۳- عندالاقضاء ریاست جلسات قضایی دیوان‌های مربوط ستره محکمه. ۴- اصدار امر مبنی بر تفتیش فعالیت‌های محاکم. ۵- صدور امر مبنی بر رسیدگی قضایی ناشی از جرائم و تخلفات قضایی و اداری

قضات. ۶- نظارت بر تطبیق فیصله‌های قطعی محاکم. ۷- نظارت و مراقبت از تطبیق سالم بودجه قوه قضائیه. ۸- نظارت پرفعالیت آمریت عمومی اداری قوه قضائیه. ۹- ارائه گزارش اجرائیات قضایی و اداری قوه قضائیه به رئیس‌جمهور.

## **ب: مصادیق فساد قاضی در حقوق افغانستان**

برای پیشگیری از فساد قاضی، شناخت مصادیق فساد قاضی در قوانین افغانستان امر ضروری هست، به عبارت دیگر، زمانی رفتار یک قاضی، جرم و فساد تلقی می‌گردد که آن رفتار در قانون، به‌عنوان خلاف یا جرم و فساد معرفی شده باشد، زیرا یکی از اصول حاکم بر جزا و مجازات، اصل قانونی بودن جرم و مجازات هست؛ بدین علت، باید مصادیق فساد قاضی در قانون، مشخص شده و تبیین گردد. مصادیق فساد قاضی به عنوان رفتار مجرمانه، موارد زیر می‌باشند.

### **(۱) رشوه**

یکی از فسادهای فراگیر و در سطح گسترده که همه ادارات مخصوصاً محاکم و سارنوالی های کشور به آن آلوده می‌باشند، رشاء و ارتشا هست، قانون جزای افغانستان، رشوه را به‌طور واضح و کامل جرم انگاری نموده است به گونه‌ی که قبول هرگونه وعده مال و منفعت و یا بخشش آن را در راستای اجرای وظیفه‌اش را منع نموده است. چنانچه در ماده ۳۷۰ قانون جزاء (مصوب ۱۳۹۶) یکی از جرائم فساد اداری و مالی، رشوه ذکر شده است و مقرر نموده است که: «هرگاه اشخاص موظف خدمات عامه به منظور اجرا یا امتناع از وظیفه که به آن مکلف است به اسم خود یا شخص دیگری به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، پول، مال یا منفعت نامشروع را طلب، اخذ یا قبول نماید یا وعده‌ی پرداخت آن را بپذیرد و یا به‌عنوان بخشش آن را قبول کند، رشوه گیرنده شناخته می‌شود». در ماده سوم قانون مبارزه علیه ارتشان و فساد اداری، نیز فساد را این‌گونه تعریف نموده است: «فساد اداری عمل خلاف قانون است که توسط کارکنان دولتی و سایر موظفین خدمات عامه به مقصد حصول اهداف و منافع شخصی و یا گروهی (به شکل‌های مختلف) صورت می‌گیرد». رشوه نیز نوعی از فساد اداری است که توسط موظفین خدمات عامه و قاضی ممکن است صورت بگیرد؛ بنابراین، رشوه نوعی از فساد است که یکی از مصادیق فساد قاضی محسوب می‌شود. (قانون جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶: ماده ۴) موظف خدمات عامه شخصی است که به اجرای خدمات عامه توظیف گردیده و شامل اشخاص ذیل است: کارکن دولت، تصدی‌ها و شرکت‌های دولتی اعضای ارکان دولت و اعضای نهادهای انتخابی، قاضی، ثارنوال، وکیل مدافع، حکم، اهل خبره و سایر اشخاصی که رسماً به انجام خدمات عامه موظف شده باشد).

### **(۲) شکنجه متهم**

قاضی تحقیق و محاکم به‌هیچ‌وجه اجازه ندارند، متهمین را شکنجه نمایند و نتایج حاصل از آن اعتباری ندارد، طبق قانون اساسی افغانستان، اقرار حاصل از شکنجه فاقد اعتبار است، قانون اساسی در اصل ۳۰

چنین مقرر داشته است: اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد، اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه باصلاحیت. (قانون جزایی افغانستان مصوب ۱۳۹۶: ماده ۴۵۰) شکنجه را چنین تعریف نموده است: «شکنجه عملی است که توسط موظف خدمات عامه یا هر مقام رسمی دیگر یا به امر، موافقه، رضایت یا به اثر سکوت وی ارتکاب یابد و باعث درد یا تعذیب جسمی یا روانی شدید مظنون، متهم، محکوم یا شخص دیگر گردد».

ماده ۵ بند ۴؛ قانون اجرائیات جزایی افغانستان نیز هرگونه فشار جسمی و روحی را نهی نموده است: «اشخاص مظنون و متهم تحت هیچ گونه فشار روحی و یا جسمی قرار گرفته نمی توانند». چنین مقرر می دارد: «مظنون و متهم حق دارند سکوت اختیار نموده از اظهار هرگونه بیان امتناع ورزند، گرچه توسط پلیس یا مقامات قضایی تحت بازپرسی قرار گیرد» (قانون اجرائیات جزایی، ماده ۵، بند ۶). قانون اساسی و قوانین عادی بر این حق تأکید کرده است و برای یک دفاع خوب و مؤثر، شرایط و تضمین های را پیش بینی نموده است که باید از سوی محاکم رعایت شود که از جمله ی این تضمین ها موارد زیر است: ۱- اصل برائت (ماده ۲۵ قانون اساسی) ۲- تفهیم اتهام و دلایل آن<sup>۱</sup> (ماده ۳۱ قانون اساسی و اجرائیات جزایی افغانستان) ۳- رعایت حق سکوت (قانون اجرائیات جزایی بند ۶ و ۷: ماده ۵ و ۵۳)

### ۳) تشدید خودسرانه مجازات

موظفان خدمات عامه مثل سارنوال (قاضی اجرای احکام) قاضی محکمه مکلف اند جزایی را بالای مجرمان اعمال نمایند که به آن حکم شده باشند، طبق قانون جزاء، «هرگاه موظف خدمات عامه محکوم علیه را از جزای محکوم بها شدیدتر مجازات کند و یا به آن امر نماید و یا جزای را بر وی تطبیق نماید که به آن محکوم نشده باشد، علاوه بر جزای حبس متوسط به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می گردد.» (قانون جزای افغانستان: ماده ۲۷۶)

### ۴) ورود غیرقانونی

متهم تا زمانی که به موجب حکم قطعی دادگاه کیفری محکوم نشده است، در پناه اصل برائت قرار دارد و نمی توان وی را مجرم دانست، این حکم، در (ماده ۴۴۷ قانون جزای ۱۳۹۶) مقرر شده است که: «هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفه ی خود در منزل شخص بدون اجازه او و در غیر از حالات و ترتیبی که قانون به آن تصریح نموده داخل شود، به حبسی که از دو سال بیش تر نباشد یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی محکوم می گردد.» محکمه نیز حق ندارد بدون دلیل قانونی، حکم ورود به منزل شخص را صادر کند حتماً باید دلیل داشته باشد، در قانون اجرائیات جزایی مواردی ذکر شده است که فقط با تحقق آن موارد می تواند، چنین حکمی را صادر نماید، آن حالات و موارد در ماده ۱۲۰ همان قانون آورده شده است: محکمه ذی صلاح، داخل شدن به مسکن یا ساختمان مسکونی و تفتیش آن ها

را در حالات ذیل اجازه می‌دهد: ۱- در صورت که شخص از امر احضار یا اعمال واجب التنفیذ تمبرد نموده و در مسکن یا ساختمان مسکونی مورد نظر ساکن باشد. ۲- در صورت که امر گرفتاری شخص صادر و شخص در مسکن یا ساختمان مسکونی مورد نظر مخفی باشد. ۳- در صورت که جرم جنایت یا جنحه در داخل ساختمان مسکونی ارتکاب گردیده و معاینات محل جرم، ایجاب داخل شدن به آن را نماید.

## ۵) امتناع قاضی از صدور حکم

یکی دیگر از مصادیق فساد قاضی، امتناع او از صدور حکم است، قاضی مکلف است که حکم دعوا را به دست آورده و آن را صادر نماید و اجازه ندارد که از صدور حکم امتناع ورزد مگر اینکه مجوز قانونی برای عدم صدور حکم داشته باشد وگرنه مجازات سنگینی در قانون جزاء برایش پیش‌بینی شده است، چنان‌که در ماده ۴۰۵ قانون جزاء (مصوب ۱۳۹۶) به این امر تصریح شده است: «هرگاه قاضی بدون مجوز قانونی از اصدار حکم امتناع یا تعلل ورزد به حبس متوسط و طرد از مسلک، محکوم می‌گردد». (قانون جزای افغانستان، ماده ۲۸۳، مصوب ۱۳۵۵) ممکن است این سؤال مطرح گردد که قاضی در چه صورت ممتنع از حکم شماره می‌شود، جواب این سؤال در ماده ۴۰۶ همان قانون جزاء، ذکر گردیده است، در ماده مذکور مقرر شده است که: «هرگاه قاضی بعد از مطالبه قانونی، اصدار حکم را رد و یا متوقف سازد، این امر امتناع از اصدار حکم شمرده می‌شود، گرچه برعدم موجودیت حکم در قانون یا صراحت آن استدلال نماید، مگر اینکه قانون طور دیگری حکم نموده باشد». مواردی ممنوع بودن قاضی از صدور حکم، در ماده ۴۰۶ و ۴۰۵ قانون جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶ ذکر گردیده است. در غیر از حالات مذکوره در مواد مذکور، قاضی مکلف به صدور حکم هست و باید حکم دعوا را از قانون اساسی و سایر قوانین پیدا نماید، اگر حکمی موجود نباشد، قضیه را مطابق فقه حنفی و برای اهل تشیع مطابق فقه جعفری حل و فصل نمایند، چنانچه این مطلب در ماده ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون اساسی ذکر شده است: محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می‌نمایند. هرگاه برای قضیه‌ی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده است، قضیه را به نحوی حل و فصل می‌نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید. محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می‌نمایند. در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و سایر قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم، قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می‌نمایند. (قانون اساسی افغانستان: ماده ۱۳۰ و ۱۳۱)

## ۶) صدور حکم ناحق

صدور حکم ناحق به هر دلیل و انگیزه ممنوع است و قاضی مکلف است که عدالت را به بهترین وجه در هر پرونده اجرا نماید، این حکم در ماده ۴۰۵ قانون جزاء (مصوب ۱۳۹۶) تصریح شده است: «هرگاه ثابت



گردد که (قاضی) بنا به یکی از اسباب مندرج در ماده ۴۰۴ این قانون (رسانیدن نفع یا ضرر به یکی از طرفین دعوا) عمداً فیصله ناحق صادر نموده است، به حبس متوسط و طرد از مسلک محکوم می‌گردد.» اسبابی که در ماده مذکور مندرج شده است عبارت است از: هرگاه موظف خدمات عامه به منظور رسانیدن نفع یا ضرر به یکی از طرفین دعوا به صیغه امر یا خواهش و یا سفارش واسطه شود، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار محکوم می‌گردد.

در قانون اساسی نیز تصریح گردیده است که قضات مستقل هست و در انجام کارهایش از هیچ ارگان و نهادی تأثیر نمی‌پذیرد، در ماده ۱۱۶ قانون اساسی مقرر شده است که: «قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان هست» به همین ترتیب فقره اول ماده دوم قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم افغانستان منتشره سال ۱۳۸۴ در این رابطه تصریح می‌کند که: قوه قضائیه رکن مستقل دولت بوده؛ هم چنان در ماده ۱۴ قانون مذکور آمده است که: محاکم حین رسیدگی به قضایا مستقل بوده و در صدور احکام، صرفاً تابع قانون می‌باشند.

### **۷) توقیف غیرقانونی**

اگر موظف خدمات عامه، آزادی دیگری را بعد از سپری شدن مدت قانونی آن محدود سازد، جرم تلقی می‌شود، اگرچه این جرم ممکن است از ناحیه هر شخصی ارتکاب پیدا کند ولی موظفین خدمات عامه اگر این نوع جرم را مرتکب شود مجازات شان تشدید می‌گردد. در ماده ۵۸۵ و ۵۸۷ قانون جزاء، جرم گرفتاری، توقیف یا تحدید آزادی و حالات مشدده مجازات، مقرر شده است: «شخصی که دیگری را گرفتار یا آزادی وی را به صورت غیرقانونی سلب یا محدود سازد مرتکب جرم گرفتاری، توقیف یا تحدید آزادی گردیده» ارتکاب جرم گرفتاری، توقیف یا تحدید آزادی اگر توسط موظف خدمات عامه صورت بگیرد، مشدده شناخته شده، مرتکب به حبس طویل تا هفت سال محکوم می‌گردد.

### **۸) سوءاستفاده از مقام**

بر اساس قانون جزای افغانستان (۱۳۹۶) هرگاه موظف خدمات عامه، به قصد کسب منفعت نامشروع برای خودش یا شخص دیگری برخلاف قانون، عملی را اجرا یا از آن امتناع نماید، مرتکب جرم سوءاستفاده از وظیفه گردیده است. طبق ماده ۴ قانون جزاء، یکی از موظفین خدمات عامه، قاضی است لذا این حکم شامل قاضی نیز می‌گردد.

### **۹) افشای اسرار**

این حکم از عموم کلمه «موظف خدمات عامه» که در ماده ۴۱۳ قانون جزا آمده است به دست می‌آید، در ماده مذکور مقرر شده است که: هرگاه موظف خدمات عامه، اسرار، اسناد، تصمیم یا اوامر یا سایر اطلاعات محرمانه را که من حیث وظیفه به وی سپرده شده است یا به آن آگاهی حاصل نموده، به صورت

غیرقانونی افشا یا به آگاهی عموم رساند و یا زمینه دسترسی به اسناد و معلومات متذکره را به شخص ثالث فراهم نماید، به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

### **۱۰- کتمان عضویت در احزاب سیاسی**

کتمان عضویت در احزاب سیاسی نیز از مصادیق فساد قضات محسوب می‌شود، این حکم در ماده ۴۱۵ ق ج مقرر شده است: «هرگاه عضو ستره محکمه، قاضی، سارنوال که به حکم قانون از داشتن عضویت در مدت تصدی وظیفه در حزب سیاسی ممنوع قرار داده شده‌اند، در صورت دارا بودن عضویت حزب سیاسی یا فعالیت به نفع آن و کتمان این موضوع به جزای نقدی یکصد هزار تا پنج صد هزار افغانی محکوم می‌گردد».

### **۱۱- خشونت**

رفتار خشونت‌آمیز قاضی و سایر موظفین خدمات عامه علیه اشخاص، در ماده ۴۴۸ قانون جزا مورد جرم انگاری قرار گرفته است و در آنجا مقرر شده است که: هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفه‌ی خود با شخص طوری شدت و خشونت نماید که موجب آلام جسمی یا منافی آبرو و حیثیت او گردد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا صد و بیست هزار افغانی محکوم می‌گردد.

### **ج: راهکارهای پیش‌گیری از فساد قاضی**

در حقوق افغانستان راهکارهایی جهت پیشگیری از فساد قاضی، تدوین شده است؛ این راهکارها در قالب استقلالیت داشتن، مصونیت قضایی، شرایط قاضی و جرم انگاری بعضی از رفتارها در حوزه‌ی کاری قاضی، بیان شده است.

### **۱) استقلال قوه قضاییه و قاضی**

یکی از عواملی که در پیش‌گیری از فساد قاضی، نقش عمده دارد استقلال قاضی هست، استقلال قضایی مفهوم عام و کلی دارد و در برابر همه مقامات یکسان هست؛ استقلال قوه‌ی قضاییه یعنی این که این قوه از قوای دیگر مستقل و جدا هست و به تبع این، قاضی نیز از لحاظ قضایی استقلال دارد؛ و منظور از استقلال قضایی این است که دادرس در صدور رأی تنها قانون و وجدان را حاکم اعمال خود قرار دهد و توجهی به دستورها و خواسته‌های دیگران نداشته باشد از هیچ مانع و رادعی نهراسد و بیم انفصال تنزیل رتبه و مقام، تغییر محل خدمت و موقعیت شغلی به خود راه ندهد. در اغلب قوانین امروزی استقلال قضایی مورد تأکید قرار می‌گیرد از جمله در بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده است به این که هرکس حق دارد که دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف رسیدگی شود.

قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه افغانستان، در ماده ۲ نیز به این موضوع تصریح نموده است: قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان رکن مستقل دولت بوده وظایف خویش را مطابق احکام قانون ایفا می نماید. در ماده ۱۱۶ قانون اساسی افغانستان مقرر می دارد که: قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان هست؛ قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آن ها توسط قانون تنظیم می گردد.

هم چنین، برای قطع وابستگی های سیاسی قضات، قانون اساسی افغانستان و قانون تشکیلات محاکم، به طور بسیار واضح و روشن عضویت آن ها را در احزاب سیاسی ممنوع نموده است؛ در بند ۶ ماده ۱۱۸ قانون اساسی و ماده ۱۵ قانون تشکیلات صلاحیت محاکم تصریح می دارد که: قضات حق ندارد در هنگام انجام دوره رسمی خدمت، به عضویت در احزاب سیاسی در بیاید؛ و از این طریق قانون گذار افغانستان، خطر صدور حکم مبنی بر ملاحظات سیاسی را از جانب قضات کاهش داده است.

## **(۲) سخت گیری در برکناری قاضی**

روش برکناری قاضی تأثیری بسیار مهمی در رفتار و عمل کرد او دارد، اگر قاضی بداند که روش عزل او بسیار آسان است و رییس جمهور هر وقت بخواهد می تواند او را از کار برکنار کند، در این صورت به خاطر ترس از عزل به آسانی مطالبات و خواسته های مقام عزل کننده را در نظر گرفته و در نتیجه استقلال خود را در اتخاذ تصمیمات قضایی از دست می دهد؛ بنابراین برای رفع این نگرانی، کشورها تلاش می کنند که برای برکناری قضات، سازوکارهای سخت و پیچیده را وضع نمایند؛ قانون اساسی افغانستان نیز برای حل این نگرانی، روش بسیار سخت و پیچیده را برای برکناری قضات وضع نموده است؛ هم برای برکناری اعضای ستره محکمه و هم قضات محاکم افغانستان. در مورد اعضای ستره محکمه، در قانون اساسی افغانستان مقرر شده است که: اعضای ستره محکمه به هیچ صورت، نه از طرف رئیس جمهور و نه از طرف پارلمان تا پایان دوره خدمت از وظایف شان قابل عزل نیستند، مگر که از طرف بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه به ارتکاب جرم ناشی از اجرایی وظیفه یا ارتکاب جنایت متهم شود و محاکمه او تقاضا شود و اکثریت دو ثلث ولسی جرگه هم این اتهام و تقاضا را تأیید نمایند. در این صورت قاضی متهم از وظیفه عزل و جهت محاکمه به محکمه خاص معرفی می شود (قانون اساسی افغانستان: ماده ۱۱۷ و ۱۲۷). بنابراین، همان طور که ملاحظه می شود برکناری و محاکمه اعضای ستره محکمه در قانون اساسی افغانستان، سازوکار خیلی پیچیده دارد که به آسانی قابل عزل نیستند، این نکته سبب می شود که قضات ستره محکمه استقلال شان حفظ شده و از ارتکاب فساد آن ها پیش گیری گردد.

## **(۳) طولانی و غیر قابل تجدید بودن مدت قضاوت**

این نکته در حفظ و استقلال قاضی خیلی تأثیرگذار است؛ زیرا اگر مدت خدمت کم باشد ممکن است شخص وادار شود که برای منافع شخصی و غیرشخصی خود به سوء استفاده دست بزنند و اگر قابل تجدید

باشد هم ممکن است به امید اینکه برای دوره‌های بعد به آن سمت انتخاب شود، تحت تأثیر اشخاص و نهادهای انتخاب کننده قرار بگیرد و طبق خواسته‌های آن‌ها عمل نماید؛ بنابراین، در اکثر قوانین اساسی دنیا دوره خدمت یا تا سن تقاعد (بازنشستگی) یا برای مدت نسبتاً طولانی مثلاً ده سال یا بیست سال است. در قانون اساسی افغانستان نیز، به نکته‌های مذکور توجه شده است.

#### **۴) رعایت شایسته‌سالاری در استخدام**

در نظر گرفتن اوصاف و شرایطی لازم برای قضات در قانون اساسی و رعایت آن شرایط حین انتخاب آن‌ها در مقام قضاوت، نقش بسیار مهمی در استقلال و پیش‌گیری از فساد و آلودگی قضات دارد؛ مخصوصاً شرایط و اوصافی که مربوط به شخصیت علمی و میزان تحصیلات و تجربه‌ی کاری قضات محکمه عالی در نظر گرفته می‌شود، معمولاً افرادی که از نظر علمی، فکری و تجربه کاری ضعیف می‌باشند بسیار به‌آسانی تحت تأثیر عوامل مادی و غیرمادی قرار گرفته و دچار وابستگی می‌شوند.

در قانون اساسی افغانستان نیز این اوصاف و شرایط تا حدودی رعایت شده است، اما به نظر نگارنده این اوصاف و شرایط، کامل نیست. قانون اساسی یک‌سری شرایطی را برای قضات ستره محکمه وضع نموده است و شرایطی را هم برای قضات محاکم وضع کرده است. شرایطی که برای اعضای ستره محکمه پیش‌بینی شده است عبارت است از: ۱- سن اعضا و رییس در حین تعیین از چهل سال کم‌تر نباشد. ۲- تبعه افغانستان باشد در علوم حقوقی و یا فقهی، تحصیلات عالی و در نظام قضایی افغانستان تخصص داشته باشد ۳- دارای شهرت نیک باشد ۵- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد ۶- در حال تصدی وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد. شرایطی را که برای قضات محاکم ذکر گردیده است عبارتند از: ۱- حین انسلاک حداقل ده سال تابعیت جمهوری اسلامی افغانستان را داشته باشد. ۲- به موجب حکم قطعی محکمه ذی‌صلاح به جرم جنایت یا جنحه عمدی محکوم نشده باشد. ۳- سند تحصیلی لیسانس از پوهنچی‌های (دانشکده‌های) حقوق یا شرعیات و یا بالاتر از آن و یا سند تحصیلی مدارس دینی رسمی دولت یا معادل آن را دارا باشد. ۴- مصاب به امراض ساری یا معیوبیت‌هایی که مانع اجرای وظیفه گردد نباشد. ۵- حین انسلاک در کادر قضا سن بیست و پنج سالگی را تکمیل کرده باشد. ۶- دوره ستاژ قضایی را موفقانه سپری کرده باشد. (قانون تشکیل و صلاحیت محاکم قوه قضاییه افغانستان: ماده ۵۸)

#### **۵) تأمین مالی و نیازمندی‌های قاضی**

یکی از عوامل بسیار مهمی دیگر در پیش‌گیری از فساد قضات، تأمین نیازهای اقتصادی و مالی آن‌ها می‌باشند، زیرا قاضی فقیر و نیازمند که در معیشت خود دچار بحران و مشکلات است، خیلی زود عدالت را نادیده می‌گیرد؛ از این‌رو کشورهای که می‌خواهند دستگاه قضایی آن‌ها عدالت را اجرا کند، تمام نیازهای مادی آن‌ها را مرتفع می‌سازد تا مبادا یک قاضی به‌خاطر فقر و نیاز اقتصادی، مرتکب رشوه و فساد شده و

عدالت را نادیده بگیرد؛ لذا خیلی از کشورها به قاضی چک سفید می‌دهد تا هر مقدار نیاز که دارد از بانک پول بردارد؛ این همان نکته است که از نامه امام علی<sup>(ع)</sup> به مالک اشتر نقل شده است؛ حضرت علی<sup>(ع)</sup> در آن نامه فرمود: «ای مالک به قاضی آن قدر ببخش که به مردم نیازمند نباشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

## ۶) داشتن صلاحیت عام و تام

یکی از عوامل که در پیش‌گیری از فساد قضات نقش دارد، اعطای صلاحیت عام برای آن‌ها هست، این‌گونه نباشد که در بعضی قضایا و اشخاص استثنا وجود داشته باشد، وگرنه قاضی جرئت و قاطعیت خود را از دست می‌دهد. این مورد، در قانون اساسی کشور، تصریح شده است: ۱- تمام دعاوی از طرف اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول صلاحیت قوه قضائیه است. ۲- اشخاص مدعی و مدعی علیه، هم دولت و ارگان‌های دولتی را شامل می‌شود، هم افراد عادی را (قانون اساسی افغانستان، ماده ۱۲۰).

## ۷) نظارت

یکی دیگر از راه‌های پیش‌گیری از فساد قاضی، نظارت بر رفتار و احکام و قضاوت‌های او هست؛ به‌کارگیری و دقت در اجرای این راهکار، نقش مؤثری در جلوگیری از فساد قضات دارد؛ امروزه شاید هیچ نظامی نباشد که در سیستم حقوقی‌اش، نهادی نظارت بر امور قضات پیش‌بینی نشده باشد؛ در سیستم حقوقی افغانستان، این امر در صلاحیت‌های رئیس ستره محکمه (رییس دیوان عالی) قرار داده شده است؛ در ماده ۳۰ قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه افغانستان که صلاحیت‌های رییس ستره محکمه ذکر شده است، یکی از آن صلاحیت‌ها نظارت بر فعالیت‌ها و فیصله‌های محاکم و هم‌چنین رهبری عمومی فعالیت‌های قضایی و اداری ستره محکمه هست. روش‌های که در انجام این امر لازم است نیز در قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم ذکر گردیده. بر اساس (ماده ۳۰ قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه افغانستان)، رییس ستره محکمه افغانستان، به روش‌های ذیل می‌تواند اعمال نظارت نماید:

۱. رهبری عمومی فعالیت‌های قضایی و اداری ستره محکمه.
۲. صدور امر مبنی بر تفتیش فعالیت‌های محاکم.
۳. نظارت بر تطبیق فیصله‌های قطعی محاکم.
۴. صدور امر مبنی بر رسیدگی قضایای ناشی از جرائم و تخلفات قضایی و اداری قضات.
۵. نظارت بر فعالیت آمریت عمومی اداری قوه قضائیه. چنانچه ملاحظه می‌گردد اگر این نوع نظارت، عملاً تطبیق گردد نقش بسیار مؤثری در پیش‌گیری از فساد قضات دارد.

## نتیجه

در نتیجه حقوق افغانستان، راهکارهایی را که دارای نقطه‌های قوت زیاد می‌باشند جهت پیش‌گیری از فساد قاضی، مقرر نموده است، همانند: استقلال قضات، سخت‌گیری در برکناری قضات، تأمین مالی قضات، داشتن صلاحیت عام و تام، نظارت بر امور قضات، اما نقطه‌های مثبت، نقطه‌های ضعف نیز وجود دارند همانند: ۱- عدم اهتمام بر توانایی علمی قضات به عنوان یک صفت تأثیرگذار در پیش‌گیری از فساد قضات.

۲- غفلت از شرط عدالت برای قضات، به عنوان دو شرط بسیار مهم و اساسی برای پیش‌گیری از فساد قضات. برای تأمین عدالت قضایی و پیش‌گیری از فساد قضات و مقابله با آن، راهکارهای زیر برای حقوق افغانستان پیشنهاد می‌گردد:

۱. سخت‌گیری در استخدام قضات برای تصدی امور قضاوت و این امر حاصل نمی‌شود مگر اینکه شرایط مناسبی در قانون برای آن‌ها وضع گردد؛ قرار گرفتن عدالت، اسلام، تحصیلات و توانایی علمی کافی در اجزاء شرایط قاضی و تطبیق صحیح آن شرایط، در تأمین عدالت و پیش‌گیری از فساد قضات بسیار تأثیرگذار است.

۲. مشارکت دادن مردم در امر نظارت قضات و ایجاد یک شبکه که مردم بتوانند از آن طریق، شکایات و انحرافات قضات را به دستگاه قضایی منتقل نمایند.

۳. آگاه‌سازی مردم نسبت به مسایل حقوقی و وظایف و تکالیف قضات؛ اگر مردم از حقوق شان آگاه شوند و هم‌چنین وظایف قضات را بدانند در پیش‌گیری از وقوع جرم و فساد نقش عمده دارد.

۴. تقویت باورهای دینی قضات؛ بسیاری از مفاسد که توسط بعضی از قضات، ارتکاب می‌یابند ناشی از ضعف باورهای دینی آنان است؛ قاضی اگر به کیفی‌های جرائمی که مرتکب می‌شود آگاه باشد و واقعاً ایمان داشته باشد، هیچ‌گاه مرتکب آن نمی‌شود.

## فهرست منابع

### • قرآن کریم.

۱. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل، دارالاحیاء الکتب العربیه، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳. اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، مؤسسه فرهنگی آرایه، بی‌جا، چاپ اول، ۲۳۸۷.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰.
۵. \_\_\_\_\_، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۶. دانش، سرور، حقوق اساسی افغانستان، کابل، دانشگاه ابن‌سینا بلخی، چ دوم، ۱۳۹۱.
۷. دهخدا، علی‌اکبر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۰ش.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۹.
۹. ریموند گسن، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.
۱۰. سایت ستره محکمه افغانستان، [www.superemecourt.gov.af](http://www.superemecourt.gov.af)
۱۱. سلیمی، صادق، جنایات سازمان‌یافته فراملی، تهران، نشر صدرا، ۱۳۸۲.
۱۲. عاملی، شهید اول، دروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۱۳. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۴.
۱۴. فصلنامه انتظام اجتماعی، سال پنجم، ۱۳۹۲، شماره ۲. [www.magiran.com](http://www.magiran.com)
۱۵. قانون اجرائیات جزایی افغانستان، مصوب ۱۳۹۲.
۱۶. قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۵۵.
۱۷. قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه، مصوب ۱۳۸۴.
۱۸. قانون جزاء و اجرائیات جزایی، مصوب ۱۳۸۲.
۱۹. قانون جزای افغانستان، مصوب ۱۳۵۵.

۲۰. قانون جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶.
۲۱. قوانین اساسی افغانستان مصوب ۱۳۸۲.
۲۲. محسنی، فرید، جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۴.
۲۳. محمد نسل، غلامرضا، کلیات پیش‌گیری از جرم، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، نشر سرایش، چاپ هشتم، ۱۳۸۵.
۲۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۳.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، دانش‌نامه جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
۲۷. \_\_\_\_\_ پیش‌گیری عادلانه از جرم در علوم جنایی، تهران، ۱۳۸۸.
۲۸. \_\_\_\_\_ دایره‌المعارف علوم جنایی، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۲۹. نیازپور، امیر حسن، «پیش‌گیری از وقوع جرم»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۲.